



شماره ۱۳۶ دوره هشتم سال سوم

سه شنبه ۱۶/۱۰/۱۳۶۵

اطلاعیه

هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده، "کنفرانس ملی" و مصوبات و رهبری برگزیده آن، ایران عضویت رفیق اکبر شاندرمنی را در کمیته، نشر اکاذیب و افتراات ناپسند و نیز همکاری با مرکزی به علت زیرپا نهادن اصول سازمانی و گروه فراکسیونی اخراج شده از حزب، معلق اعلام اسانامه، حزب، افشای اسرار حزبی، نفی می‌دارد.

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

توضیحی پیرامون اطلاعیه هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

درباره

"استعفانامه" رفیق اکبر شاندرمنی

تشکیل "کنفرانس ملی" مخالف اسانامه بود، بخودی خود باطل بود و رسمیتی نمی‌توانست داشته باشد.

صرف نظر از این واقعیت که رفیق شاندرمنی تا استعفا از هیئت سیاسی "کنفرانس ملی" را به رسمیت می‌شناخت، باید پرسید: آیا اسانامه، حزب را در موقع خود چه کسانی و چه ارگان حزبی تصویب کرده بودند؟

هیئت سیاسی سابق، بنا به درخواست اعضای حزب، موظف بود تا مجمع صلاحیتداری را برای ترمیم رهبری و تصویب برنامه جدید و اسناد مهم دیگر فراخواند و در پلنوم نوزدهم تشکیل "کنفرانس ملی" و با پلنومی وسیع را پیشنهاد کرد. در بحث پیرامون این دو پیشنهاد، رفیق شاندرمنی بر تشکیل پلنوم وسیع اصرار می‌ورزید، در حالیکه پلنوم وسیع نیز در اسانامه، حزب پیش‌بینی نشده است. با این وجود، در تاریخ حزب ما پلنوم‌های وسیع بارها تشکیل گردیده است، از جمله پلنوم وسیع ۱۷ که رفیق شاندرمنی از آن به عنوان "پلنوم معتبری... با شرکت گروهی از کادرها و مسئولین کشوری" یاد می‌کند. قزون بر این، در سال ۱۳۲۹ حزب "کنفرانس وحدت" را تشکیل داد. آیا همه این‌ها در پیش‌بینی نشده‌اند "بخودی خود باطل بود و رسمیتی نمی‌توانست داشته باشد"؟

خاطر نشان می‌سازیم که در همه دوران فعالیت غیر علنی حزب این پلنوم‌های کمیته مرکزی (و "کنفرانس وحدت") بوده‌اند که وظیفه کنگره را انجام داده‌اند و برنامه‌های مختلف حزب، بجز برنامه کنونی را تدوین و تصویب کرده‌اند.

رفیق شاندرمنی به عنوان عضو مشاور کمیته مرکزی، در همه این پلنوم‌ها و در "کنفرانس وحدت" شرکت داشته، به مصوبات آنها رای داده و هیچگاه نه در ارگانهای صلاحیتدار حزبی و نه در بیرون از حزب قانونیت این‌ها را زیر

ضربا به انتشار "استعفانامه" اش از سوی بابک امیر خسروی صحنه گذاشت.

۲- رفیق شاندرمنی در این "استعفانامه" می‌نویسد که از همان آغاز "کنفرانس ملی" را به رسمیت نشناخته است و می‌افزاید:

"بنابر این "کنفرانس" باصطلاح "ملی" جز یک توطئه آشکار ضد حزب توده ایران نبوده است..."

شایان توجه است: رفیقی که نه "کنفرانس ملی"، نه کمیته مرکزی منتخب آن و نه هیئت سیاسی برگزیده این کمیته مرکزی را به رسمیت نمی‌شناسد، در استعفا ۱۰ خرداد ۱۳۶۵ خود (به متن کلیشه شده توجه شود) خطاب به هیئت سیاسی می‌نویسد:

"لطفا این متن را برای اطلاع در اختیار اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی بگذارید."

بدینسان، رفیق شاندرمنی، علیرغم ادعای خود در "استعفانامه" هم بر رسمیت "کنفرانس ملی" هم بر رسمیت کمیته مرکزی منتخب آن و هم بر رسمیت هیئت سیاسی برگزیده این کمیته مرکزی تاکید ورزیده است. چگونه است رفیقی که "کنفرانس ملی" را "یک توطئه آشکار ضد حزب توده ایران" می‌داند، نامه به هیئت سیاسی منتخب همان کنفرانس می‌نویسد و به عنوان عضو هیئت سیاسی استعفا خود را اعلام می‌کند؟ آیا این دوگانگی دلیل بر آن نیست که رفیق شاندرمنی، حداقل تا زمان استعفایش، هم "کنفرانس ملی" و هم رهبری برگزیده آن را پذیرفته بوده است؟

قضاوت در این باره را به "وجدان کمونیستی" رفیق شاندرمنی واگذار می‌کنیم.

۳- در "استعفانامه" گفته می‌شود: "در اسانامه، حزب ما به چنین کنفرانسی کوچکترین اشاره‌ای نشده و نتیجه گرفته می‌شود که

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران "استعفانامه" رفیق اکبر شاندرمنی را که چندی پیش از طرف بابک امیر خسروی، سردسته یکی از گروههای فراکسیونی انتشار یافت، بررسی کرد.

هیئت سیاسی ضروری داند تا نظر همه اعضای حزب را به نکات زیر معطوف دارد:

۱- رفیق شاندرمنی که در نخستین جلسه هیئت سیاسی پس از "کنفرانس ملی" حضور یافت، در تدوین و تنظیم نهایی برنامه و دیگر اسناد مصوب این کنفرانس شرکت فعال داشت، در جریان این جلسه و بدون هیچگونه توضیح و اقامه دلیلی استعفا خود را از هیئت سیاسی اعلام کرد (متن این استعفا در زیر کلیشه می‌شود). هیئت سیاسی تصمیم گیری در این باره را تا دریافت توضیح کتبی به جلسه بعد موکول ساخت.

در جلسه بعد هیئت سیاسی، رفیق شاندرمنی پس از ارائه برخی "دلایل" اعلام داشت که دیگر در جلسات هیئت سیاسی شرکت نخواهد جست و یادآور گشت که با این همه آماده است تا هرگونه وظیفه حزبی را که به او محول شود، بپذیرد.

رفیق شاندرمنی، که به هنگام ارائه استعفا خود کلمه‌ای درباره علنی ساختن آن به زبان نیاورده بود، چند روز بعد با زیرپا گذاشتن اینداتی‌ترین موازین حزبی و اصول اسانامه، حزب متنی را برای بابک امیر خسروی، اخراج شده از حزب و سرکرده یکی از گروههای فراکسیونی، فرستاد. چنانکه می‌دانید بابک امیر خسروی نیز آن را با عنوان "استعفانامه" رفیق شاندرمنی "که حاوی برخی از اسرار درون حزبی و مطالب ناصحیح و بهتان آمیز فراوانی است، به مقیاس گسترده چاپ و منتشر کرد.

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از آگاهی از این رویداد هیئتی از اعضای خود را مأمور بررسی درباره چگونگی این اقدام ضد حزبی از شخص رفیق شاندرمنی کرد. رفیق شاندرمنی

دروود بر زندانیان سیاسی و رزمندگان راه آزادی زحمتکشان ایران!

علامت سؤال نبرده است. یادآور می‌شویم که رفیق شاندرمنی خود در پلنوم وسیع مقدم به عضویت کمیته مرکزی انتخاب گشت، پلنومی که تشکیل آن می‌باید طبق "استدلال" وی - غیر قانونی بوده باشد، زیرا در اساسنامه حزب پیش بینی نشده است.

۴ - رفیق شاندرمنی مدعی است که پلنوم نوزدهم اکثریت نداشت و برای باصلاح "اثبات" این دروغ آشکار می‌گوید که نزدیک به ۲۰ نفر از اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی در آن حضور نداشتند. اگر واقعا چنین بود، چرا رفیق شاندرمنی در آغاز کار پلنوم نوزدهم هیچ اعتراضی در این زمینه نکرد؟ واقعیتی که رفیق شاندرمنی دانسته به تحریف آن دست می‌زند، این است که طبق اساسنامه حزب، در پلنوم کمیته مرکزی تنها اعضای اصلی کمیته مرکزی حق رای تعیین کننده دارند و آراء اعضا مشاور فقط مشورتی است.

در آستانه تشکیل پلنوم نوزدهم شمار اعضای اصلی کمیته مرکزی بیش از ۱۶ نفر نبود، که از این عده چهار تن به علت بیماری سخت توانایی شرکت در پلنوم را نداشتند. این پلنوم با شرکت بیش از دو سوم اعضای اصلی کمیته مرکزی حزب تشکیل شد.

درست است که رفیق شاندرمنی در پلنوم نوزدهم در اعتراض به تشکیل "کنفرانس ملی" و دادن حق رای به رفقای شرکت کننده در آن جلسه پلنوم را ترک کرد، اما، چنانکه خود نیز در "استعفانامه" اش معترف است، بار دیگر در این پلنوم شرکت جست و به مصوبات آن نیز رای داد. یادآور می‌شویم که پس از پایان کار پلنوم نوزدهم و پیش از تشکیل "کنفرانس ملی" رفیق شاندرمنی - به شهادت همه اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی - به هیئت سیاسی وقت مراجعه کرد و خواهان آن شد تا پلنوم بار دیگر تشکیل جاسه دهد و با تصویب ماده واحده ای کمیته مرکزی را به فراخواندن "کنفرانس ملی" مجاز سازد. این جلسه نیز تشکیل شد و همه اعضای اصلی کمیته مرکزی، از جمله خود رفیق شاندرمنی و نیز همه رفقای مشاور به فراخواندن "کنفرانس ملی" رای دادند. (برخی از اعضای مشاور نیز، که به علت ماموریت‌های حزبی تا آن هنگام در پلنوم شرکت نکرده بودند، در این جلسه و تصمیم گیری یاد شده شرکت داشتند).

آیا باز هم رفیق شاندرمنی می‌تواند ادعا کند که تشکیل "کنفرانس ملی" یک توطئه آشکار ضد حزب توده ایران بود؟ اگر چنین است، پس چرا خود رفیق شاندرمنی نیز در این "توطئه" شرکت کرد؟

۵ - در "استعفانامه" رفیق شاندرمنی گفته می‌شود: "بنابر این حضور در جلسات "کنفرانس" را نباید دال بر برسمیت شناختن آن گرفت". از رفیقی که ۴۵ سال سابقه عضویت در حزب دارد، باید پرسید: اگر حضور در پلنوم و شرکت در

تصمیم گیریهای آن دال بر برسمیت شناختن آن نیست، در این صورت بنظر او اصلا کدامیک از پلنوم های تاریخ حزب دارای "رسمیت" بوده است؟ با چنین استدلالی، رفیق شاندرمنی نه تنها موجودیت حزب، بلکه عضویت ۴۵ ساله خود در آن را نیز زیر علامت سؤال می‌برد. رفیق شاندرمنی در توجیه علت حضور خود در "کنفرانس ملی" چنین می‌گوید:

"... مائدم تا در "کنفرانس" نظر خویش را اعلام کنم و استعفا می‌دهم را به اطلاع "کنفرانس" برسانم و سپس آن را ترک کنم. لیکن در اثر مراجعات بعضی از رفقای مورد احترام و علاقه ام مبنی بر خودداری موقت از آن کار بخاطر اینکه ممکنست در "کنفرانس" تشنج ایجاد شود، پذیرفتم ... من با جبار می‌بایست تا خاتمه جلسات "کنفرانس" محل را ترک نکنم، تا مبادا افشای محل تشکیل پلنوم و "کنفرانس" را - که بقیه داشتیم که در کمتر مدتی فاش خواهد گشت - بمن نسبت ندهند".

چنین است استدلال سراسر متضاد و سفسطه آمیز کسی که در همه جلسات "کنفرانس ملی" حضور داشت، در هیئت رئیسه جای گرفت، در تعیین نامزدها شرکت فعال جست، نظرات خود را در سخنرانی مفصل به اطلاع شرکت کنندگان رسانید و به گزارش کمیته مرکزی، برنامه حزب، قطعنامه و دیگر مصوبات "کنفرانس ملی" رای داد.

آیا چنین شرکت فعالی در "کنفرانس ملی" می‌تواند صرفا بدلیل جلوگیری از "تشنج" بوده باشد

روشن است که بهانه افشای محل "کنفرانس ملی" نیز فاقد کوچکترین پایه منطقی است، زیرا که رفیق شاندرمنی می‌توانست تا پایان آن در محل برگزار می‌شد، "کنفرانس ملی" بماند و همراه دیگران آن را ترک کند، اما در جلسات آن شرکت نکند.

۶ - در "استعفانامه" ادعا می‌شود که گویا هیئت سیاسی وقت "افراد شرکت کننده در "کنفرانس" را ... نهان از کمیته مرکزی بدلخواه خود انتصاب کرده است".

متذکر می‌شویم که هیئت سیاسی وقت، مدت‌ها پیش از تصمیم به تشکیل مجمع صلاحیتدار، از همه اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی و برخی از کادرهای درجه اول خواسته بود تا معیارهای خود را درباره ترکیب چنین جلسه ای کتبا اعلام دارند و اکثر رفقان نیز به این فراخوان پاسخ گفتند.

خود رفیق شاندرمنی در جای دیگری از "استعفانامه" اش می‌نویسد: "مرگه از من برای دعوت رفقای که در "کنفرانس" حضور داشتند، رای می‌خواستند، بی گفتگو به عده زیادی از آنها رای می‌دادم و باز هم رای می‌دهم ..."

نویسنده این سطور فراموش می‌کند که در چند صفحه قبل برای مخدوش جلوه گر ساختن ترکیب "کنفرانس ملی" نوشته بود: "پیش از انتصاب افراد برای شرکت در "کنفرانس" همه کمیته های کشوری اروپا را زیر و

رو کرده و دیگرگون ساختند و اشخاص "موافق طبع" و نیت خویش را بکار گماشتند و از میان اینان کسانی را برگزیده راهی "کنفرانس" کردند". ما قضاوت درباره این ضد نقیض گویی را نیز بعهده رفقای حزبی و شرکت کنندگان در "کنفرانس ملی" می‌گذاریم.

همچنین به این تناقض باید پاسخ داد که چگونه از یکسو بقبول رفیق شاندرمنی - به موافقان طبع هیئت سیاسی در "کنفرانس ملی" - سپرده می‌شود که به وی "رای مخالف" بدهند و از سوی دیگر همین شرکت کنندگان او را به عضویت کمیته مرکزی حزب توده ایران برمی‌گزینند - افتخاری که اکنون روش می‌شود، رفیق شاندرمنی واقعا سزاوار آن نبوده است.

۷ - رفیق شاندرمنی بدون کوچکترین عذاب وجدان مدعی است که محمد زمان پهلوان (مازیار) نماینده حزب در مجله "صلح و سوسیالیسم" بود. این جز دروغی برای لجن مال کردن حزب نیست. این شخص هیچگاه نماینده حزب در "مجله" نبوده است. وی از نشانیدن نامهایی چون آوانسیان، صفری و خاوری در کنار "مازیار" چه اندیشه ای را می‌خواهد به خواننده القا کند؟

و اما جالب است که یکی از سه رفیق نامبرده از جمله همان "رفقای مورد احترام و علاقه" رفیق شاندرمنی بوده است، که وی بخاطرشان پس از ترک جلسه پلنوم نوزدهم دوباره در آن شرکت کرد!

۸ - در "استعفانامه"، رفیق خاوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، بطور ناجوانمردانه ای آماج حمله رفیق شاندرمنی قرار می‌گیرد.

تردید نیست که هدف این رفیق از زدن اتهامهای بیشمارانه ای چون "بخود مغرور"، "مقام دوست" و غیره به دبیر اول حزب وارد کردن ضربه به مجموعه حزب توده ایران و در راستای همان توطئه‌هایی است که از دکان سیاسی اخراج شده از حزب تدارک آن را دیده بودند.

در اینجا مانبازی به دفاع از رفیق خاوری و پاسخ گویی به این اتهامهای سخیف نمی‌بینیم، زیرا زندگی نامه سیاسی دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران باندازه کافی گویاست. رفیق شاندرمنی درباره رفیق خاوری می‌نویسد که حزب ما او را "به نادرست و به غلط و واقعا بی حساب بخاطر استفاده تشجیعی و تبلیغی در ارگانهای تبلیغاتی معرفی کرده و به عرش اعلاش برده بود".

این است قضاوت درباره رفیقی که در مقابل جلادان رژیم شاه در بیدادگاه نظامی، که حکم اعدامش را صادر کرده بود، شجاعانه و صادقانه از موجودیت حزب خود و جهان بینی آن دفاع کرد.

از رفیق شاندرمنی باید پرسید: زمانی که توده ایها از مقاومت دلیرانه خاوری‌ها و

مخبرنامه - ۱۳۶۵ - مصادف ۳۱ و ۳۰ بهمن سال ۱۳۸۵

دهم خرداد سال ۱۳۶۵ - مطابق با ۲۱ ماه مه
سال ۱۹۸۶
به هیئت سیاسی کمیته* مرکزی حزب توده*
ایران
رفقا، بدین وسیله استعفای خویش را از
عضویت در هیئت سیاسی اعلام می‌دارم و علل آن را
در نامه‌ای جداگانه در اختیارتان خواهم
گذاشت.
طی هفته* گذشته کوشش بسیار کردم تا خود را
قانع سازم به اینکه کار در هیئت را ادامه دهم،
لیکن موفق نگردیدم و به این نتیجه رسیدم که آماده
بکار در هیئت سیاسی نمی‌باشم.
رفقا، این تصمیم من تغییرناپذیر است،
علی‌ایحال اعلام می‌دارم که آماده* اجرای هرگونه
کاری در حزب، که از عهده‌ام برآید،
می‌باشم.
موفق باشید
اکبر شاندرمنی

به هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقا، من رسید استعفای خویش را از هیئت در

هیئت سیاسی اعلام می‌دارم و علل آن را بعداً در نامه‌ای جداگانه

در اختیارتان خواهم گذاشت

طی هفته گذشته کوشش بسیار کردم تا خود را قانع سازم

که کار در هیئت را ادامه دهم، لیکن موفق نگردیدم و به این نتیجه رسیدم

که آماده بکار در هیئت سیاسی نمی‌باشم

رفقا، این تصمیم من تغییرناپذیر است، علی‌ایحال اعلام می‌دارم که

آماده اجرای هرگونه کاری در حزب، که از عهده‌ام برآید، می‌باشم

موفق باشید

اکبر شاندرمنی

سال عضویت در حزب توده* ایران از این ماده*
اساسنامه* حزب "بی‌خبر مانده است" که:
"هیئت سیاسی در فاصله* بین دو پلنوم کمیته
مرکزی فعالیت حزب را رهبری می‌کند" (از ماده*
۲۹ اساسنامه* حزب توده* ایران).
اگر احزاب سیاسی می‌خواستند بخاطر هر "قول
و قرار" و "سخنرانی" پلنوم کمیته* مرکزی را
فراخوانند، پلنوم کمیته* مرکزی می‌بایست
اجلاس دائمی داشته باشد و نیازی به هیئت سیاسی
نمی‌بود.

۱۱ - رفیق شاندرمنی به این معترض است که
در "کنفرانس ملی" نام برخی از نامزدهای عضویت
کمیته* مرکزی بصورت مستعار طرح شده بود.
کافی بود که این رفیق به آثار لنین مراجعه
می‌کرد، تا بداند که برای نمونه "کنفرانس پراگ"
حزب سوسیال دمکرات روسیه نیز چنین عمل کرده بود
و در حال حاضر نیز احزاب دارای وضعیت همانند ما
از این شیوه بهره می‌گیرند.
افشای برخی از اسرار حزبی در "استعفانامه"
نشان می‌دهد که این شیوه همخوان با شرایط کار مخفی
و از اصولیت حزبی برخوردار بوده است.

۱۲ - "استعفا نامه*" رفیق شاندرمنی انباشته

۹ - در "استعفا نامه"، پلنوم هیجدهم نیز
مغایر "موازیان حزبی احزاب طبقه* کارگر" اعلام
می‌شود، زیرا بنظر رفیق شاندرمنی پلنوم "به معنی
سیاسی اش یعنی جلسه‌ای با حضور ترکیب کامل همه*
اعضای منتخب ارگانهای رهبری سازمان یا
تشکیلاتی". حدس می‌زنیم که منظور نویسنده از
ضرورت "شرکت همه* اعضای منتخب ارگانهای
رهبری سازمان یا تشکیلاتی" شرکت همه* اعضای
کمیته* مرکزی در پلنوم باشد.

مطابق این تعریف، پلنوم کمیته* مرکزی
حزب توده* ایران تنها زمانی می‌توانست برگزار
گردد که همه* اعضای اصلی و مشاور کمیته* مرکزی
دریوند از زندانهای رژیم آزاد می‌شدند. و این در
حالی بود که رژیم "ولایت فقیه" حزب توده* ایران
را "منحله" اعلام کرده و احیای رهبری و سازمانهای
حزب وظیفه* عاجل فرد فرد اعضای حزب بود.

۱ - در "استعفا نامه" آمده است که اعضای
هیئت سیاسی "با احزاب و سازمانهای گوناگون
تماس گرفته، قول و قرارهایی گذاشته اند، اعلامیه*
پیام کمیته* مرکزی امضا* و منتشر کرده اند، در
کنگره‌های احزاب برادر بنام نمایندگان کمیته*
مرکزی حزب ما سخنرانیهای دراز و کوتاه کرده اند
و گفت و شنودها داشته اند که روح کمیته* مرکزی از
آنها بی‌خبر مانده است".

این رفیق شاندرمنی است که ظاهر ایش از ۴۵

حکمت جوها در شکنجه‌گاههای رژیم شاه نیرو
می‌گرفتند، وی در کدام عرصه* مبارزه* حزبی
شرکت داشت که امروز بابک امیر خسروی، این
واژه* سیاسی و خائن به منافع طبقه* کارگر او را
به "عرش اعلی" می‌رساند؟

گذشته از این آیا رفیق شاندرمنی می‌تواند
این واقعیت را پوشیده نگه دارد که خود او در پلنوم
اول پس از "کنفرانس ملی" رفیق خاوری را به
نامزدی دبیر اولی کمیته* مرکزی حزب توده*
ایران پیشنهاد کرد (پیشنهادی که به اتفاق آرا*
تصویب شد)؟

به رغم "استعفا نامه"، یکی از "جرمهای
نابخشودنی" رفیق خاوری آنست که در کمیسیون
بررسی تصمیم پلنوم هیجدهم درباره* رفیق صفری
شرکت جسته و با ارزیابی مدارک و اسناد مستدل
این کمیسیون با احیای عضویت رفیق نامبرده در
کمیته* مرکزی موافقت کرده بود.

لازم به توضیح است که مطابق اسناد موجود،
سلب مسئولیتهای حزبی رفیق صفری مغایر با
اساسنامه* حزب و از طریق مسکوت نگه‌داشتن
نامه‌های او به هیئت سیاسی وقت صورت گرفته بود.
رفیق شاندرمنی از جمله* آن اعضای کمیته* مرکزی
بود که در پلنوم هیجدهم، به توصیه* این کمیسیون
مبنی بر احیای عضویت رفیق صفری در کمیته*
مرکزی رای موافق داد و بدینسان همان "جرم
نابخشودنی" را مرتکب شد که رفیق خاوری.

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه‌ی عاجل
نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

به برنامه‌های

رادیوی زحمتکشان ایران

گوش فرادهید!

هم میهنان عزیز! کارگران و زحمتکشان! رادیوی زحمتکشان ایران بانگ رسا و زبان بی بند و آزاد توده‌های رنجبر میهن ماست. به برنامه‌های رادیوی زحمتکشان ایران گوش فرادهید و شنیدن آن را به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید. رادیوی زحمتکشان ایران هر روز در ساعت ۱۹ به مدت نیم ساعت روی امواج کوتاه، ردیفهای ۲۸ متر و ۴۹ متر برنامه پخش می‌کند. این برنامه در ساعت ۱۹ و ۲۰ دقیقه همانروز و ۶ صبح روز بعد تکرار می‌شود. برای رادیوی زحمتکشان ایران به آدرس زیر نامه بنویسید.

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

"کنفرانس ملی" و مصوبات و رهبری برگزیده آن، نشر اکاذیب و افتراات ناپسند و نیز همکاری با گروه فراکسیون اخراج شده از حزب، معلق اعلام می‌دارد.

* متن موادی که در این اطلاعیه به آنها اشاره شده است، به قرار زیر است:
وظایف عضو حزب

۴- عضو حزب موظف است:
الف - مبلغ مرام و مشی حزب باشد و برای تحقق آن مبارزه کند.

ب - در راه حفظ وحدت حزب که شرط اصلی نیرو و بقای آنست؟ با تمام قوا بکوشد و از هر گونه کار گروهی و فراکسیونی اکیداً بپرهیزد.

ج - انضباط حزبی را که برای عموم اعضا یکسان است مراعات نماید.

د - اسرار حزبی را اکیداً حفظ کند و در برابر دشمن هشیار و استوار باشد.

ز - از هر عملی که مخالف حیثیت و اعتبار حزب و ارگانهای آن باشد بپرهیزد و سعی کند تادر زندگی خصوصی و اجتماعی رفتارش نمونه باشد.

۲۹ - هیئت سیاسی در فاصله بین دو پلنوم کمیته مرکزی فعالیت حزب را رهبری می‌کند.

از چنان اتهامها و دروغهای مبتدلی است که ما نیازی به پاسخگویی به تک تک آنها را نمی‌بینیم.

برای نمونه به این اتهام مشتمل کننده اشاره می‌کنیم که گویا برای رهبری حزب "همه نوآمدگان از ایران مشکوکنند، ال‌عکس ثابت شود".

مادر اینجا نیز قضاوت درباره "صحت و سقم حکم نامبرده را بعهده هزاران توده‌ای "نوآمده" می‌گذاریم که هم اینک با فداکاری بار سنگین وظایف حزبی را بدوش می‌کشند. تذکر آنکه بسیاری از این "نوآمدگان" هستند که اکنون در سطوح مختلف، از جمله در رهبری حزب، در راه پیشبرد هدفهای حزب توده ایران مبارزه می‌کنند.

* * *

رفقای عزیز! هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران با در نظر گرفتن واقعیتهای نامبرده و با استناد به بندهای الف، ب، ج، د، ز ماده ۱۴ اساسنامه حزب توده ایران درباره وظایف عضو حزب و نیز تبصره ماده ۸ درباره مجازات حزبی تصمیم زیر را اتخاذ کرد.*

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران عضویت رفیق اکبر شاندرمنی را در کمیته مرکزی بعثت زیر پا نهادن اصول سازمانی و اساسنامه حزب، افشای اسرار حزبی، نفی

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

حساب بانکی ما:
Sweden
Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 040012650
Dr. John Takman

NAMEH
MARDOM

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

	Price
W. Germany	1,00 DM
France	3,00 fr
Austria	8 ös
England	30 p
Italy	600 L.
USA	40cts

نامه مردم را بخوانید و به پخش آن یاری رسانید!

برای اشتراک "نامه مردم" در خارج از کشور، فرم زیر را پر کرده و به همراه رسید بانکی (بهای اشتراک) به آدرس پستی زیر ارسال نمایید:

آدرس پستی:

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

حساب بانکی:

Sweden - Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 040012650
Dr. John Takman

اروپا	آمریکا	آسیا	معادل	بهای اشتراک:
۲۲ مارک	۲۶ مارک	۲۸ مارک	-	<input type="checkbox"/> سه ماهه
- ۴۴	- ۵۲	- ۵۶	-	<input type="checkbox"/> شش ماهه
- ۸۸	- ۱۰۴	- ۱۱۲	-	<input type="checkbox"/> یکساله

آدرس: (لطفاً خوانا بنویسید)

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان!